

نوآوری در ادب متعهد عرب

«شعر حسینی معاصر»

دکتر انسیه خزعلی

استادیار دانشگاه الزهراء

(از ص ۱۹۷ تا ۲۱۸)

چکیده:

در این نوشتار، محقق تلاش نموده با بررسی نمونه‌ای از ادب متعهد عرب ضمن پرداختن به خصائص آن گونه ادبی جلوه‌های تجدید و نوآوری را در آن به بحث نشیند.

نمونه منتخب اختصاص به ادبیات عاشورا و امام حسین (ع) در جلوه نظم آن دارد. بخشی از پژوهش به مقایسه گذری این شعر با اشعار حسینی دوره‌های گذشته می‌پردازد و بخش عمده جستار به فنون و شیوه‌های نو در این شعر همت می‌گمارد. اشعار قصصی و شعر آزاد از این زمره محسوب می‌شوند که ضمن تکیه بر چارچوبهای اصلی که برخی از ادب غربی به ادبیات عرب وارد گردیده است، به دلیل آمیختگی با مایه‌های عربی و ارزشها و فرهنگ اسلامی جلوه‌ای نو از این فنون را به جهان عرب عرضه داشت.

واژه‌های کلیدی: ملحمه، نمایشنامه منظومه، ایاء، حماسه، التزام.

مقدمه :

اهمیت شعر و جایگاه آن در ادب از دیرباز مورد توجه ناقدان بوده است؛ در گذشته این فن به دلایل فراوان از جمله : قدرت نفوذ بسیار، فراگیری همه اقشار، توان عاطفی سرشار، ماندگاری در حافظه و دلپذیری طنین آهنگینش بر بسیاری دیگر از فنون ادب سروری داشته است و از همین روست که میراث شعری برجای مانده از عرب بر میراث نثری او تفوق دارد در حالیکه به اعتقاد جاحظ آثار نثری اش بیش از شعری بوده است: (الجاحظ، عمرو بن بحر / البیان والنبین / تع : عبدالسلام محمد هارون / مکتبه

الخانجی بمصر ج ۱ ص ۲۷۸)

ما تکلمت به العرب من جيد المنثور اکثر مما تکلمت به من جيد الموزون فلم يحفظ من المنثور الا عشرة ولاضاع من الموزون عشرة.

شعر عرب در طول تاریخ، به عنوان رسانه‌ای همگانی مورد استفاده و اعتماد عمومی قرار گرفته است. این فن نه تنها وظیفه اطلاع رسانی و آگاهی بخشی خود را به خوبی ایفا نموده بلکه در بسیاری اوقات عامل محرکه یا مثبت بسیاری از حرکتهای تاریخی و نقاط عطف زندگی بشر بوده است چنانچه احیای یاد و ماندگاری حماسه‌های آن را به دوش کشیده است.

این امر خصوصاً آنگاه محسوس تر می نماید که معیار شعر را - به جز وزن و قافیه - آنگونه که معاصران گفته اند، تاثیرگذاری بر مخاطب، برانگیختن عواطف و ژرفای صداقت آن بدانیم.

جایگاه شعر حسینی در ادب عربی

"احمد امین" ناقد و ادیب مصری می گوید: (الامین، احمد / ضحی الاسلام / مطبعة لجنة التألیف

و الترجمة و النشر / الطبعة الاولى / ج ۳ ص ۳۰۰ و ۳۰۱)

«حقیقت این است که ادب شیعه، ادبیات عرب را غنی و پربار نمود و ادبیاتی که

از آن برخاست قوی و سرشار بود، علت آن نیز موقعیت شیعه بود که به صورت طبیعی موجب شعله‌ور کردن عاطفه و تحریک آن می‌گردید، عاطفه‌ای که بهترین پشتوانه ادب محسوب می‌شود ... شیعه نیز از دو گونه عاطفه قوی برخوردار بود: خشم و حزن ...»

او در جای دیگر می‌گوید: (همان مدرک ج ۳ ص ۳۰۱)

«فشار بر شیعیان و کشتار آنان که با قتل حسین و اهل بیت او آغاز گردید، در ادب شیعه به خوبی انعکاس یافت. قصائد اشکبار، خطابه‌های آتشین، گفتار از خون برخاسته، انعکاسی برای خونهای ریخته شده و پیکرهای به خاک غلتیده بود. این یاد در همه نسلها اندوه را زنده می‌کرد و اندوه ادب را به پا می‌داشت.»

علاوه بر دلایل ذکر شده، عوامل عدیده‌ای موجب قوت یافتن شعر حسینی و جایگاه مقتدرانه آن در ادب عربی و جاودانگی اش در طول تاریخ گردید که برخی از آنان چنین است:

۱- این شعر به دلیل ورود در مجالس حسینی، پایگاه مردمی ویژه‌ای کسب نمود به گونه‌ای که اگر این اشعار نبود مجالس حسینی نمی‌توانست در جان مخاطبین انقلاب به پا کند و به شدت آنها را متاثر سازد.

۲- جزئیات حادثه عاشورا و مقتل حسین (ع) از طریق شعر، سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل و این امر موجب جاودانگی متقابل شعر و مقتل گردید.

۳- غلبه "رثا" در شعر حسینی، آنرا در یکی از صادقانه‌ترین و خالصترین فنون شعری متجلی ساخت و همین مشخصه آنرا در صدر شعر به مفهوم خاص آن نشانده. («من اهم اقسام الشعر الذاتی، شعر الرثاء، و هریقنضی الصدق و الاخلاص فی العاطفة والتعبیر» الامین /

احمد / النقد الادبی / ص ۹۵)

۴- روح حماسی در شعر حسینی آنرا به رمزی جاودانه برای پیکار و حق طلبی مبدل کرد. شاعران به صراحت یا کنایه از این حماسه سخن گفتند و در اوج خفقان

نیز از این رمز برای رسوا نمودن ظالم بهره جستند.

"احمد شوقی" شاعر بزرگ معاصر از خوف امویان در عصر حاضر می گوید: (شیر،

جواد / ادب الطّف / مؤسسه الاعلمی / بیروت / الطبعة الأولى ۱۹۸۰ م / ج ۹ ص ۱۴۰)

أحبّ الحسين ولكنني لسانی عليه و قلبی معه

جست لسانی عن مدحه حذارأمية أن تقطعه

۵- برخی از این اشعار به دلیل ارتباط با علقه‌های قلبی و فکری مردم به سرعت حفظ گردید و به صورت ضرب المثل درآمد. گاه موسیقی مناسب این اشعار و هماهنگی آن با دلاوریهای حماسه‌سازان عاشورا آن را به عنوان جزئی از وقایع عاشورا و سخنان آنروز در اذهان جایگزین نمود. مانند شعر شاعر معاصر "محسن ابوالحب" که به عنوان شعاری جاوید از عاشورا بر زبانها جاری شد: (مانان مدرک ج ۱۰

۱۳۱۱)

ان کان دین محمد لم یستقم الا یقتلی فیاسیوف خذینی

خصیصه‌های بارز شعر معاصر حسینی

شعر حسینی با خصوصیت برخورداری از عاطفه‌ای رقیق و صادقانه در کنار حماسه‌ای آتشین و انقلابی، سرآمد ادب متعهد محسوب گردیده است. همچنین با پرداختن این شعر به موضوعات سیاسی - اجتماعی در کنار جنبه‌های مذهبی تپش حیات و همدردی با مخاطب را به خوبی می‌توان در آن احساس نمود. این خصائص در دو بخش أغراض و موضوعها جلوه می‌نماید:

اغراض شعر حسینی

الف) رثاء:

شعر حسینی در همه عصرها، مملو از رثای دردناکی است که به گونه‌ای غالب و

تاثیرگذار، اثر شاعران را در هر فنی پوشش داده است. تراژدی دردناک عاشورا از عوامل عمده این رنگ آمیزی در اشعار عرب است.

رثای معاصر با وجود حفظ بسیاری از شیوه‌های قدیم، از نظر محتوا از روح بدبینی و خمودگی که در قرون گذشته بر رثا حاکم گردیده بود فاصله می‌گیرد و به فخر و حماسه تمایل می‌یابد. در واقع مراثی موجود در دل خویش حرکت و جهش را می‌پرورد و به ظهور می‌رساند.

به عنوان مثال اگر در قرون گذشته رثای شاعر، رنگ و بوی یأس و ناامیدی و پیروزی کفر بر اسلام و در نهایت تسلیم به تقدیر را تصویر می‌نمود: (الخاقانی، علی / شعراء

الفری / نشر مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي / قم ۱۴۰۸ هـ / ج ۱۲ ص ۱۳۳ شعر از: محمد مهدی بحر العلوم)

الدين من بعد هم أقوت مرابعه والشرع من بعدهم غارت شرايعه

قد اشتفى الكفر بالإسلام مذرحلوا والبغى بالحق لمأراح صادعه

شاعر معاصر خود را در کربلا می‌بیند و مرثیه او اشک چشمی آمیخته با جوشش خون و پیام حیات و مقاومت در گوشه گوشه کشورهای عربی خصوصاً در

جنوب لبنان است: (نورالدین، حسن / عاشوراء في الأدب العالمي المعاصر / الدارالاسلامية / ۱۹۸۸ م / ص

۲۳۲ شعر از: محمد علی شمس الدین)

هذه الساحة للقتل و هذا جسدي

ساحة اخرى لأحلام القتل

ايها الريح اليك المشتكى

هجرالوصل زمان الفقراء

ليس في خلجان عيني سوى رجع اليكا

وعلى الصدر سوى لسع الدماء

ب) حماسه

این غرض که از اغراض عمده شعری در عصر جاهلی و اسلامی به شمار می‌رفت، در دوره‌های بعدی به دلیل افول جنگاوری عرب به ضعف گرائید و به ندرت شعر عرب چنین هدفی را دنبال نمود. حماسه به معنی عام آن که از مردانگی، بزرگواری، صبر بر مصائب، ایستادگی و ذلت ناپذیری و در نهایت پیکار و ستیز سخن می‌گوید، در شعر حسینی معاصر غرض غالب محسوب می‌شود و پرتو آن برخی اغراض پیوند ناگسستنی با این شعر همچون "رثا" را نیز تحت شعاع خویش قرار می‌دهد. این اشعار به تفصیل به پردازش صحنه‌های حماسی می‌پردازد و از حزن و اندوه آن به سرعت عبور می‌کند. مردانی را توصیف می‌کند که دشواریهای بزرگ را حقیر و کوچک می‌شمارند و در پیکار با دشمن بر یکدیگر سبقت می‌گیرند: (ادب الطف ج ۹ ص ۳۳۰ شعر از: حسن فساق)

وَرَدُوا عَلَى الْهَيْجَا وَرُودِ الْهَيْمِ وَرَأَوْا عَظِيمَ الْخَطْبِ غَيْرِ عَظِيمِ
يَتَسَابِقُونَ إِلَى الْهَجُومِ كَأَنَّهُمْ خَلَقُوا الْيَوْمَ تَسَابِقَ وَهَجُومِ

انگیزش و حماسه‌ای که در قعر حسینی موج می‌زند، با شروع نهضت‌های آزادیبخش در سده اخیر، اوج می‌گیرد و این شعر را به پرچمداری ادبیات نهضت‌بیداری مشرق و حرکت انتقاضه دعوت می‌کند. شاعر معاصر نیاز جامعه خویش را به عاشورائی دیگر حس می‌کند و همت و بیداری و فتح عاشورایی را به درمان دردهای جانکاه مردم خویش می‌خواند: (الحسن، عبدالله / ليلة عاشوراء في الحديث والأدب /

الطبعة الأدب / الدارالاسلامية / ۱۹۸۸م / ص ۲۳۲ شعر از: محمدعلی شمس‌الدین)

أَيُّهَا يَوْمَ عَاشُورَاءَ عُدُودِي بِكُلِّ الصَّحْوِ وَالْهَمِّ الْعِظَامِ
أَعِيدِي فَتْحَ الْقُدْسِيِّ زَهْوًا حُسَيْنِيًّا عَلَى الدَّاءِ الْعِقَامِ

موضوعات شعر حسینی

شعر معاصر بیش از آنکه به نقل روایی و قصصی حادثه عاشورا بپردازد یا جلوه‌های حزن و اندوه را پیروراند، به درسها و الگوهای واقعه نظر دارد و در پی سرمشکهای زنده و کارآمد برای عصر خویش است؛ از این جهت بر موضوعاتی چون ظلم ستیزی، ثمرات قیام امام و بهره‌های سیاسی از نهضت حضرت تکیه می‌کند. این شعر در نقد مراسم عزای حسینی به شعری احتجاجی میان شاعران مخالف و موافق تبدیل می‌گردد.

به دو نمونه از این موضوعات و نگرش شاعر به آن توجه می‌کنیم:

الف) رمز آباء و ذلت ناپذیری

هر کجا شاعر پرچم جنگ با قدرتهای ظالم برافراشته و قصد سرخم نکردن در برابر زور داشته است، برای به خشم آوردن ستمگر خود را به حسین منتسب می‌نماید: (مجلة الشيراز / السنة الاولى / العدد الاول / حریف ۱۹۹۷ / به نقل از نوارهای ضبط شده به صدای شاعر)

أنا أنتمى للقدائى

لرأس الحسين

وللربذى يدقّ على قحف كلّ غنى

همینطور در جستجوی عاملی برای مقاومت و ایستادگی، شاعر صحنه‌های عاشورا به تصویر می‌کشد و از آنان که در خود تعلقى به حسین و کربلايش حس می‌کنند، همان ستیز و ذلت ناپذیری را طلب می‌کند و بر شمشیرهای برآنها بوسه می‌زند. (مجلة "كل العرب" / ص ۴ شعر از: نزار قبانی)

سميتك الجنوب

يالابساً عباءة الحسين

و شمس کربلاء
یا شجر الورد الذی یحترف الفداء
یا ثورة الأرض التی التفت بثورة السماء
یا جسداً یطلع من ترابه
قمحٌ ... و انبیاء
اسمح لنا بأن نبوس السیف فی یدیک
اسمح لنا أن نعبدالله الذی یُطلُّ من عینیک

(ب) شکوه از حاکمان نالایق

در شبیه سازی صحنه عاشورا با عصر حاضر، شاعر هزاران یزید را می بیند که در کمال بی رحمی به چپاول مردم مشغولند ولی خونی برای مبارزه و نجات از این خذلان در جامعه وجود ندارد: (عاشورا، فی الادب العالمی المعاصر / ص ۱۷۹ شعر از: عبدالکریم نمر الدین)

ورمتنا الدنيا بألف یزید
وجبنا فلیس فینا دماء
در این اشعار، از دوره طولانی افسردگی و خواب امت اسلام و حکومت طاغیانی که بی وقفه در بلاد اسلامی عربده می کشند، شکوه می شود و به بیداری وجدانها و در هم کوبیدن سیاهی و ظلم دعوت می شود:

یا یوم عاشوراء طال رقادنا
و مضی الطغاة یعربدون کثیراً
فاهرز ضمائرنا بعزمک نافخاً
روح الحیاة وبدد الدیجورا
گاه نیز شاعر از اصلاح این جامعه و بازده ناامید شده و آنرا از پاکی حسین (ع) فرسنگها دور می بیند و برائت حسین (ع) را از آنها به زبان خویش اعلام می دارد: (همان / ص ۱۵۸ شعر از: یحیی عبدالأمیر الشامی)

لست منا یا أروع الأولیاء
لست منا یا سیدالشهداء

انت طهر و نحن نتن الوباء

انت حرّ و نحن ذلّ عبید

جلوه‌هایی از نوآوری در شعر حسینی

ظهور شیوه‌های نو در ترسیم عاشورا و کربلا از یکسو و ورود فنون و اسلوب‌های جدید شعری به این میدان از سوی دیگر، بعضی گونه‌های این شعر را به کلی متفاوت از اشعار گذشته نمود. این تجدید و نوگرایی را در دو بخش به عیان می‌توان مشاهده کرد:

الف) فنون جدید شعری

با ورود شعر آزاد، شعر منثور، ملحمه و شعر نمایشی به ادب عربی بسیاری از اشعار حسینی در این قالبها و فنون به نظم درآمد به گونه‌ای که شاید بتوان ادعا کرد بیش از نیمی از اشعار حسینی در این فنون نوپا خودنمایی کرده است که عمده‌ترین جلوه آن در اشعار داستانی است که نمی‌توان آن را بی‌ارتباط با نیاز بشر معاصر به قصه و پیوند مستحکم او با آن دانست آنگونه که «علائلی» ادعا می‌کند: (العلائلی، عبدالله

/ الامام الحسین / ص ۳۶۵)

«ما به گونه‌ای به تاریخ نیازمندیم که شاید بتوان برای انسان از کودکی تا پیری حس ششمی را متصور شد؛ این حس تاریخی برای ارضای خود، او را تحریک می‌کند و از درون، او را به قصه‌گویی وامی‌دارد... همین امر به ما اجازه می‌دهد نتیجه بگیریم: انسان فطری یا به عبارت دیگر انسانی که هنوز تاریخ مدوّنی ندارد، فاقد این بخش از زندگی بوده و چنین میلی را در خود حس نمی‌کند و شاید به همین دلیل است که در عصر حاضر میل به قصه در انواع مختلف آن از قبیل: نمایشنامه، رمان، فیلم و قصه‌های منظوم افزایش یافته است و برخی ناقدان، ادب قرن بیستم را «قصه» می‌دانند.»

همانگونه که اشعار قصصی نشأتی نو در ادب عرب دارد، در شعر حسینی نیز مسبق به سابقه نبوده است. این فن پس از ورود به جهان عرب با ارزشهای آن جامعه؛ و پس از ورود به عرصه ادب حسینی، با فرهنگ عاشورا و باورهای آن پیوند خورد و به زیبایی در دو فن نمایشنامه و ملحمه نمود یافت.

باید توجه داشت: (غیبی هلال، محمد / الأدب المفارن / دارالنفاء / بیروت الطبعه الأولى ۱۹۶۲ / ص ۱۶۰) «تفاوت "نمایشنامه" با "ملحمه" در این است که نمایشنامه در چارچوب گفت و شنود دنبال می شود و بر امور وصفی تکیه ندارد جز برخی مناظر که در صحنه تدارک دیده می شود یا اموری که در خلال گفتگو به آن اشاره می شود و جوهره نمایش حادثه و افعال است و تفاوت شعر ملحمی و شعر نمایشی در این است که:

(البقاعی، شفیق / الانواع الادبیه / بیروت ۱۹۸۵ م / ص ۲۶۷)

«در اولی اسلوب قصه به کار گرفته می شود در حالیکه در دومی اسلوب گفتگو، جریان دارد. موضوع "ملحمه" وسیع است و در محدوده اتفاقات صحنه محصور نمی شود. در واقع شاعر ملحمی از قیودی که صحنه نمایش ایجاد می کند رهاست. این قیود اعم از شیوه تصویر وقایع و التزام زمانی و مکانی در نمایش است.»
با این مقدمه نگاهی به این دو سبک ادبی در شعر حسینی می افکنیم:

۱- ملاحم حسینی

نوپایی ملحمه در جهان عرب و آمیختگی آن با واقعیتهای تاریخی و روایی، سبک خاصی به این نوع ادبی در ادبیات معاصر بخشیده است، به گونه ای که موجب تمایز آشکار آن از آنچه در فارسی به "حماسه" و در یونانی به "Epic" مشهور بوده، گردیده است.

در این میان دو جنبه "حماسه" و "عاطفه" وجه مشترک و نقطه اتصال این ملاحم به شمار می آیند.

از برترین ملاحمی که در زمینه عاشورا و حادثه کربلا به نظم آمده ملحمه «سعیدالعسیلی» و «بولس سلامه» را می‌توان نام برد که اثر دوم به سردمداری این فن در ادب معاصر شهره گردیده است.

«عسیلی» با نگرش عاطفی افزون به حادثه نگریسته و از مدح و وصف در پردازش داستان خویش بسیار بهره جسته است. او ورود حضرت عباس به صحنه کارزار را در نگاهی درونی، با توصیف لطیف و تشبیهات زیبا از عطر و گل و یاسمن و جوانه‌ها که از پاکیه‌های معنوی حضرت حکایت می‌کند، آغاز می‌کند: (العسیلی، سعید /

ملحمة كربلاء / دارالزهراء بیروت / الطبعة الاولى ص ۴۸۷)

عطر الورد و نفع زهرالأس

والمسك والنفحات منه والشذى

والإخضرار و نفحة الأعراس

والباسمين و فرحة الأعراس

.....

مالذ منظرها و لاطاب الحلا

الأ إذا أخذت محاسن زهوها

.....

او در نگاه بیرونی، و در توصیف حماسه آفرینی‌های عباس (ع) با الفاظ و

تعبیرات متفاوت از عبارات پیشین و مناسب با صحنه کارزار در هیبت، قدرت و

شجاعت او از آتشفشان افروخته و تندباد بنیان کن، صاعقه‌های آتش‌زا و امواج

خروشان می‌گوید: (میان مدرک / ۵۰۲)

بركان نار هاج في المضمار

ام ان تلك زوابع و زلازل

أم أنه موج البحار تصادمت

لا، أنه العباس فوق جواده

.....

«سلامه» ملحمه نویس مشهور لبنانی که شیوه او مقبولیت بیشتری را نسبت به

دیگر ملاحم در ادب عربی کسب نموده و از نظر ساختاری نیز با ملاحم معروف در

ادب غربی سازگارتر است، به بعد حماسی حادثه بیش از ذکر جزئیات تاریخی آن همت گماشته است. او کمتر به توصیف صفات و مدح خصوصیات فردی پرداخته است در عوض هجو عام و گزنده او لشکر خصم را بی نصیب نگذاشته است.

شدت خشم و استهزای او را در خطابی که به اصحاب بی وفای مسلم دارد به

وضوح می توان دریافت: (سلامه، بولس / ملحمة عبدالغدير / ص ۲۹۶)

یا اصحاب مسلم اکلاب	أنتم أم أرانب فی نقاب؟
یا الهی افرطت فی القول جهلاً!	رب فاغفر أساءتی للکلاب
کم رأی العابرون کلباً امیناً	مات دون الحفاظ دون الباب!

در ملحمة "سلامه" که با عنوان "عبدالغدير" انتشار یافته و به حوادث از صدر اسلام تا عاشورا می پردازد، عاطفه و احساس با منطق و استدلال در آمیخته است.

زبان نو، عبارات تازه و استدلالهای غیر تقلیدی از خصائص و شیوه های احتجاج در این ملحمة است. به عنوان مثال او با تعجب از علت گریه بر حسین (ع) می پرسد

و معتقد است: عاشورا روز عید و شرافت نسلها و روز عزای قاتلان است نه عزای

شهیدانی که شتابان به سوی جاودانگی رفتند. (همان مدرک / ۲۷۵)

سوف تبکی علی الحسین البواکی	ویری کلّ محجرٍ شلالاً
لیت شعری لم البکاء؟ وذاك	الیوم عیدٌ یشرف الأجيالاً؟!
مأتم القتالین لامأتم القتلی	یسیرون للخلود عُجالاً

چنانکه در این ملاحم مشهود است، اسطوره سازی و قهرمان پروری افسانه ای

که در ملحمة های یونان رواج داشت، مورد طرد "ملاحم اسلامی" می باشد، در

عوض جنبه های قدسی قهرمانان در این آثار، امور خارق العاده فوق و امدادهای

الهی، زینت بخش این ملاحم گردیده است.

صفت های بلاغی خصوصاً خیال در شکل تشبیه و استعاره و دیگر صنایع لفظی و

معنوی موجب دلنشینی این ملاحم گردیده که در این بخش ملحمه کربلاء سروده "عسیلی" گوی سبقت را دارا بوده است.

"سلامه" شاعری متبحر است و اشعار او با تکیه بر فنون شعری محکم و استوار می‌نماید، در حالیکه "عسیلی" یکی از عامه مردم است که از قریحه شعری لطیف برخوردار است و این لطف و دقت در شعر او متجلی است.

آنچه بطور مشخص این ملاحم را از همسانان خود متمایز می‌سازد این است که: قهرمان یا قهرمانان ملاحم اسلامی، با چهره‌ای روشن، ایمانی استوار و اراده‌ای خلل‌ناپذیر رخ می‌نمایند. هدف آنها نه ستیز و مبارزه‌ای برگرفته از خودیتها و یا مقابله با خدایان و تقدیر - آنگونه که در حماسه‌های غربی مطرح است - که در مسیر تقدیر و به مدد الهی و برای تحقق عدالت و هدایت است. عاقبت ملحمه نیز بر خلاف "حماسه‌های غربی" - نه تنها یک تراژدی حسرت‌بار و اندوه‌زا نیست که بشارتی است و انتخابی زیبا که مسیر را بر دیگران می‌نماید. پایان حماسه از نگاه این حماسه‌سرایان، پایان زندگی و داستان نیست بلکه فروزش مشعلی برای تبیین راه و مسیر بشریت است.

۲- نمایشنامه‌های منظوم حسینی

"فن نمایش نیز همچون ملحمه در میان اعراب ناشناخته بوده است یا به عبارت دیگر، عرب به آن علاقه نشان نمی‌داده است. ریشه آن را نیز در ادبیات یونان و طبیعت نمایشنامه‌نویسی آنان که با حیات خدایان و بت‌هایشان گره خورده بود، جستجو کرده‌اند." (المعجم المفصل فی اللغة والادب / دارالعلم للملایین / ص ۱۱۴۸)

به گفته "عزالدین اسماعیل" آنچه در نشأت نمایش در جهان مورد توجه است این است که این فن از آغاز با "دین" و شعر درآمیخته بود اما پس از مدتی در برخی

مناطق از دین جدا گردید در حالیکه تا پایان قرن ۱۸ پیوند تنگاتنگ خویش را با شعر حفظ نموده بود. (اسماعیل، عزالدين / الشعر العربي المعاصر / ۲۹۷)

نمایشنامه‌های منظوم حسینی نیز در سده اخیر به میدان این ادب پای نهاد اگرچه نوع دیگری از نمایشی که به حوادث جانگداز کربلا می‌پرداخت قدمت افزون دارد. این فن که نشأت آنرا از ایران دانسته‌اند تعزیه نام دارد و تفاوت‌هایی با اسلوب نمایشی جدید در آن می‌توان یافت.^(۱)

از نمایشنامه‌های معروف معاصر در ادب حسینی نمایشنامه «الحسین ثائراً شهیداً» اثر عبدالرحمان الشرقاوی است. او در این اثر با سبکی زیبا و نو، تاریخ گذشته را بازسازی نموده است و خود می‌گوید: (المسرح الشعری بعد شرفی ص ۸۳ به نقل از: سخنان شرقاوی در مصاحبه با نبیل فرج / مجلة المسرح / نوامبر ۱۹۶۹ / ۴۸)

«گرچه امکان عبور از گذرگاه زمان وجود ندارد ولی می‌توانیم آنچه را در تاریخ اتفاق افتاده به آینده پیوند زنیم. لحظاتی در تاریخ وجود دارد که با ارزشها و اشاراتش به گونه‌ای خاصی می‌درخشد و به تو این احساس دست می‌دهد که گویا از واقعیات زندگی خود سخن می‌گویی و نسبت به آینده از آن حوادث کسب بینش می‌کنی و یقین می‌کنی انسان می‌تواند وضعت فاسد را دگرگون و بازسازی کند.

"شرفاوی" در نمایشنامه خود به حقیقت تلاش کرده با توجه به واقعیتهای سیاسی اجتماعی عصر خود، آفت‌های جامعه و شیوه مقاومت و ایستادگی در برابر آنرا بیان نماید و ارزش آزادگی و عزت نفس را به مردم تفهیم کند.

نمایشنامه فوق در سالهای شکست عبدالناصر و مقابله مردم با طبقات جدید حاکم تنظیم گردیده است و مؤلف احساس می‌کند جامعه‌اش به الگوهای نیاز دارد که قهرمانی، شرافت و فداکاری را از آنها بیاموزد و با ورود در معرکه‌های جانکاه،

۱- ساخت و برزورث / تراث الاسلام / المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب / الكويت ۱۹۸۷ م / ص ۱۶۴.

ارزشها و فضایل را حیاتی دوباره بخشید. (همان مدرک / ص ۸۴)

شعر نمایشی شعر حرکت و گفتگوست. اعمال، رفتار و حرکت بازیگر مکمل شعر و الفاظ می باشد؛ بدین سبب برخلاف شیوه رایج در اشعار عرب، شعر نمایشی فاقد جنبه غنایی یا به عبارت بهتر از این جنبه کم بهره است؛ چراکه شعری که جنبه غنایی آن غالب است موجب کندی حرکت و ایستایی نمایش می گردد و مناسب صحنه نمی باشد. از دیگر ویژگیهای شعر نمایشی، همراهی و آمیختگی آن با درگیری و جدال است و در حقیقت درگیری روح نمایشنامه و جوهره آن است. شعر شرقاوی در بخش اخیر به زیبایی نمود یافته است و در اکثر نمایش این صورت فنی جاری است: این درگیری و ستیز گاه به شکل درونی به نمایش درمی آید گاه بیرونی و زمانی دیگر شکل برخورد شدید فیزیکی به خود می گیرد.

از زیباترین تصاویری که «شرفاوی» در ترسیم درگیری درونی و مراحل پیشرفت آن داشته است، جدال نفسانی «حر» است که در نهایت به تغییر کامل «حر» منجر می شود؛ از نخستین لحظاتی که با امام روبرو می شود و زیر لب زمزمه می کند: (الشرفاوی، عبدالرحمان / الحسین نائراً شهيداً / الدارالعالمية / الطبقة الثالثة ۱۹۹۶ م / ص ۲۶۹ و ۲۷۲)

الحرّ: (لنفسه) اعفنى يا رب من هذا القتال

.....

: أترانى أشهر السيف على وجه الحسين

تا لحظه لحظه دیدارهایش با حضرت یا اصحاب آن حضرت تا سرانجام اولین نمود بیرونی آن در درگیری «حرّ» با عمر سعد جلوه گر می شود؛ هنگامی که از او می خواهد اگر نمی خواهد با امام حسین (ع) بجنگد لا اقل از پیوستن به امام خودداری کند و او اعلام می دارد که نمی تواند برای دو فرمانده کار کند بلکه بین وجدان و امیرش یکی را انتخاب خواهد کرد: (همان مدرک / ص ۳۲۳)

الحرّ: (مستنکراً) لستُ ممن یخدمون السیدین ...
 فعلى الآن أن أعمل إما لضمیری أو أمیری ...

در بخش نخست از خصوصیات نمایشی ناقدان استفاده شرقاوی از اشعار غنایی را مغل ساختار نمایش دانسته‌اند در حالیکه نوع به کارگیری این سبک در خلال اشعار به گونه‌ای جذاب و تاثیرگذار است که وقفه‌های کوتاه و ایستایی اندک آن را قابل تحمل می‌سازد. مثلاً در نجوای امام حسین (ع) با پیامبر (ص) مسیر تاریک و مبهم در پیش را بدینگونه تعنی می‌کند: (همان مدرک / ۹۰)

آه لوتنکشف الغمة عن عینی کی أبصر أبعاد الطريق
 انما تغطش عینی سحابات الهموم
 مثلما تخفی ریح اثقلت بالزمل اشراق الربیع
 ما عسی أن تبصر العینان فی لیل بهیم
 طمست فیہ النجوم!

"شرفاوی" در این نمایش لغتی جدید را ابداع نمود. شاید بتوان ادعا نمود تا این زمان در زبان عربی تنها یک جنبه کلاسیک قدیمی که از گذشتگان به ارث رسیده بود، متداول بود ولی در نمایشنامه "شرفاوی" زبان عربی لغت روز گردید، لغتی که با حرکات آن می‌تپد و با زندگی آن می‌زید. (غنایی، محمد / الشرفاوی، الفلاح الثائر / ص ۱۰۰)

او اهتمام اصلی خود را بر آگاهی بخشی و بیداری اجتماعی از طریق نقل زیبا و مهیج حادثه کربلا قرار داد و به دلیل استفاده از کلمات، عبارات، اصطلاحات و ضرب المثل‌های متداول در عصر حاضر نمایش او دلنشین و از غموض و پیچیدگی مصون مانده است به گونه‌ای که با یکبار خواندن در حافظه ماندگار می‌گردد.

دکتر "عبدالعزیز الموافی" پیام و محور اصلی نمایشنامه را اینگونه می‌بیند: (المسرح

«قضیه اساسی که براین نمایشنامه حاکم است و حسین (رض) بخاطر آن جهاد کرد و برای برپایی آن خون شریفش را اهدا نمود، جنگ و جانفشانی برای احیای این سخن است که حکومت براساس امت باشد نه وراثت.»
در مجموع با نگاهی کلی به اشعار قصصی به عنوان فنی جدید و نوپا در شعر حسینی می توان گفت:

سبک نمایشی شعر حسینی به سبک نمایشهای موجود در جهان عرب نزدیکتر و "ملحمه حسینی" از سبک ملاحم موجود فاصله گرفته است و علت آن گرایش ملاحم به امور خارق العاده و خیال است در حالیکه عنایت نمایشنامه به واقعیات و ملموس ساختن حوادث دور از ذهن است.

به همین سبب است که نمایشنامه‌های حسینی نسبت به ملحمه پایگاه محکمتری را در ادب معاصر تسخیر نموده است. از سوی دیگر بخش عمده‌ای از ملحمه‌های حسینی در نقل داستان آنها در چارچوب روایات وارده و ابیات طولانی محصور می‌شود و طبیعت ادب معاصر، این اطاله را که از لوازم ساختاری ملحمه است، نمی‌پسندد.

ب) شیوه‌های نو در شعر حسینی معاصر

در شعر معاصر "فن" و "التزام" به هم می‌آمیزد و تعهد شاعر نسبت به مسائل سیاسی - اجتماعی عصر خویش موجب عدول او از توجه به ساختار فنی شعر نمی‌گردد، در حالیکه سیر این شعر در گذشته اهمیت به "التزام" و در اولویت دوم قرار گرفتن "فن" بوده است که به صورت بارز در موارد زیر می‌توان به این خصیصه اشاره نمود:

۱- پردازش جنبه‌های شعری

در گذشته عمده اشعار حسینی به نقل تاریخی مقاتل می‌پرداخت و از وصف و عاطفه در محدوده اندک رثا بهره‌مند می‌گشت، در حالیکه عصر حاضر شاهد اشعار توصیفی، حماسی، عاطفی و توجه به جنبه‌های شعری و احساسی شعر است و شاعر معاصر تلاش می‌کند از مسائل نقلی حادثه به سرعت عبور نماید. در مواضعی وقوف طولانی دارد که می‌تواند با تشبیه و استعاره لطافت بیان احساسی آن لحظات را به جان مخاطب بریزد. در این موارد گاه شاعر از طعم تلخ درد درون خویش با چشم و دل سخن می‌گوید و از آنها مدد می‌جوید: (ملحمة كربلاء/ ۴۴۲)

ذاب الفؤاد بلوعتی و حنینی	فلمن أبتّ لواعجی و شجونی
یکفیک سجناً یا دموع و انت فی	عینی شبیه الطائر المسجون
فجیّ سواد العین وانهمری دماً	حتی تخضب بالدماء جفونی

از جمله مواردی که در شعر معاصر به لباس شعر آراسته و نیاز ملموس مخاطب را پاسخ می‌گوید، احتجاج و منطق است که با وجود بیگانگی این مقوله با شعر و احساس شاعر توانسته به زیبایی آنرا با احساس درون بیامیزد و در جان خواننده بنشانند. مثلاً هنگامی که حالات خویش را در تردید و تزلزلها، اضطراب و تشویشها و ناباوریهایش ترسیم می‌کند از زیباترین تشبیهاتی که بتواند قلب متلاطم او را به خواننده بنمایاند، استفاده می‌کند و سپس با دلیلی محکم آن را آرامش

می‌بخشد: (الجواهری، محمد مهدی / ذکریانی / دارالراصدین / الطبعة الاولى ۱۹۸۸ م / ج ۱ ص ۵۷۵)

تفحمت صدري و ريب الشكوك	يضخّ بجدرانہ الأربع
وران سحاب صفيق الحجاب	على من القلق المنزع
وهبت رياح من الطيبات	و الطيبين ولم يقشع
إذا ماتر حرج عن موضع	تأبى وعاد الى موضع

و جاز بی الشک فیما مع "الجدود" الی الشک فیما معی
الی أن أقمت علیه الدلیل من «مبدأ» بدم مشبع
فأسلم طوعاً اليك القياد واعطاك اذعانه المهطع

۲- رمزگرایی

بهره‌وری شعر معاصر از سبک آزاد، موجب باروری رمزگرایی و جلوه‌های نمادین در شعر متعهد و خصوصاً شعر حسینی گردید. در حقیقت این شیوه، توان مضاعفی به شعر حسینی برای انتقال زیباییها و پیام عاشورا به شاعر بخشید. این شعر با هزار زبان بسته حادثه را ترسیم می‌کند. مثلاً هنگامی که شاعر با فرات سخن می‌گوید و با کنایه به او آفرین می‌گوید، خیانت آب آنرا در لحظات حساس حمله به رخ می‌کشد، که نه تنها نسبت به کبوتران معصوم رحم نکرد، غرق نمودن روحهای پاک و از آن مهم‌تر اتهام سرقت ناجوانمردانه آسیاب آبی را به دوش می‌کشد و بدینسان صحنه دلخراش حضرت عباس در کنار فرات را یادآور می‌شود: (مجله شیراز / ص ۱۴۴)

مرحباً یا فرات
خانک الماء فی الصّیف
واستلّ منك المیاه
أنت أغرقت فی ساعة الصّفر
أرواحنا المزهرات
وسطوت علینا
سرقت ... نواعیرنا المثقلات
مرحباً یا فرات

شاعری دیگر، پیروزی خون بر شمشیر و حق بر باطل را با تصویری نمادین و ترسیم آنروی سگه جستجو می‌کند و در شعر او شمشیر می‌شکند نه حسین، خیمه‌ها می‌سوزاند نه آتش و فرات تشنه می‌ماند نه حسینیان و عاقبت باطل می‌رود نه حق. و اینگونه است که هنوز زدن نبض را در رگهای بریده حسین (ع) احساس می‌کند (حمیل، حواد / الحسین لغة ثانية / النبوءات).

من قال إن الرّماح التي خطفت قلبه

انتصرت

لم يزل في خيام الحسين رماد

وكسرة سيف

ورفض

لم يزل في وريد الحسين المقطع نبض...

۳- مشابه سازی

از نظر محتوی موضوعات و افکار، فراگیری شعر معاصر موجب ورود شاعرانی از مسالک و مذاهب مختلف به این عرصه گردیده است. آنچه در شعر همه آنها مشترک است، بهره‌گیری از نهضت عاشورا برای درمان دردهای جامعه خویش از طریق مشابهت یابی حق و باطل است و از این مسیر است که شلاق خوردگان اعصار برای مقاومت تا مرگ با عزت به راه او هدایت می‌شوند و در مدرسه حسین (ع) درس می‌آموزند: (حمال الدین، مصطفی / الديوان / دارالمؤرخ العربی / الطبعة الثانية ۱۹۹۵ م /

ص ۵۰۶)

ذكرى الإباء يرى المنية ماؤها	أصفي من النبع الذليل و أعذب
ذاكرك مدرسة الذين تعرّضوا	للسوط يحكم في الشعوب فأرعبوا

این الگوبرداری به طور خاصی در درگیریها و مبارزات اعراب با استعمار و در سنوات اخیر در مبارزات با صهیونیسم خود را می‌نماید.

”نزار قبانی“ به حزن کربلایی می‌بالد و می‌خواهد تا از دل این غم و درد، تاریخ را تصحیح و همه آثار دشمن تجاوزگر را بشوید و نابود سازد: (قبانی، نزار / الأعمال السياسية /

من قصيدة منشورات فدائية على جدران اسرائيل)

من رحم الأيام نأتى كانبثاق الماء

من خيمه الذلّ التي يعلكها الهواء

من وجع الحسين نأتى ... من أسي فاطمة الزهراء

من أحد نأتى ... و من بدر ... و من أحزان كربلاء

نأتى لكى نصحح التاريخ و الأشياء...

ونطمس الحروف ...

فى الشوارع العبرية الأسماء

اشارات مذکور در نوآوری، در نگاهی عام در شعر متعهد و به طور خاص شعر حسینی نمایان و آشکار می‌باشد، و ورود به جزئیات تغییر در شعر معاصر، نیاز به مجالی افزون دارد؛ مباحثی همچون تعبیرات بلاغی جدید، اصطلاحات و کلمات نو، دریافت تازه شاعر از عاشورا و تعامل شعر حسینی با رقیبان معاصر که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

نتیجه:

تحولات عصر معاصر، بیداد حکومتها و بیداری ملل تحت سلطه استکبار، شاعر معاصر را در جستجوی الگوی ذلت‌ناپذیری و ایاء به حسین (ع) و حرکت حماسه‌ساز او رهنمون می‌شود و تعهد و فن در شعر او به هم می‌آمیزد و لذا شعر حسینی باشیوه‌ای متفاوت از گذشته در دو

بخش الف) هماهنگی با فنون نوری ادبی و ب) ابداع و خلاقیت در محتوا و الفاظ اثری زیبا و دلپذیر را به ادب هدیه می‌کند.

منابع:

- ١- الامین، احمد، ضحی الاسلام، مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر، الطبعة الأولى ١٣٥٥ هـ.
- ٢- اسماعیل، عزالدین، الشعر العربی المعاصر، داراحداثه، الطبعة الثانية.
- ٣- الخاقانی، علی، شعراء العربی، نشر مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ١٤٠٨ هـ.
- ٤- الجوهری، محمد مهدي، ذكرياتي، دارالرافدين، الطبعة الأولى، ١٩٨٨ هـ.
- ٥- جمیل، جواد، الحسين نقد ثانید، مطبعة امیر، ١٤١٦ هـ.
- ٦- جمال الدين، مصطفى، الديوان، دارالموارخ العربی، الطبعة الثانية، ١٩٩٥ م.
- ٧- الحسن، عبدالله، ليلة عاشورا، فی الحديث و الأدب، الدارالاسلامیه، ١٩٨٨ م.
- ٨- شبّر، جواد، ادب الطّف، مؤسسة الأعلمی، بیروت، الطبعة الأولى، ١٩٨٥ م.
- ٩- الشرفاوی، عبدالرحمان، الحسين ثامراً شهيداً، الدارالعالمية، الطبعة الثالثة، ١٩٩٦ م.
- ١٢- شاخنت و بوزورث، تراث الاسلام، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الآداب، الكويت، ١٩٨٧ م.
- ١٣- قبّانی، نزار، الأعمال السياسية، من قصيدة منشورات فدائیه علی جدران اسرائیل.
- ١٤- نورالدین، حسن، عاشوراء فی الأدب العاملی المعاصر، الدار الإسلامية، ١٩٨٨ م.
- ١٥- غنیمی هلال، محمد، الادب المقارن، دارالثقافة، بیروت، الطبعة الاولى، ١٩٦٢ م.
- ١٦- العسلی، سعید، ملحمة كربلاء، دارالزهراء، بیروت، الطبعة الاولى.
- ١٧- سلامه، بولس، ملحمة عبدالغدير، المؤسسة الثقافية لهيلة انصارالحسين، الطبعة الرابعة، ١٤١٥ هـ.
- ١٨- عاضی، یشال، یعقوب، امیل بدیع، المعجم المفصل فی اللغة و الأدب، دارالعلم للملایین.
- ١٩- الفرطوسی، عبدالمنعم، ملحمة اهل البيت (ع)، دارالزهراء (س)، بیروت، لبنان، الطبعة الاولى، ١٣٩٧ هـ.
- ٢٥- یاسین، باقر، مظفر النّواب، دمشق، الطبعة الأولى، ١٩٨٨ م.
- ٢١- مجلة شیراز، السنة الأولى، العدد الأول، خریف ١٩٩٧ م.
- ٢٢- مجلة كل العرب، از اشعار نزار قبانی، اسبوعیة.
- ٢٣- مجلة الفكر الجدید، فصلیه، السنة الخامسة، شباط، ١٩٩٧ م، العدوان، ١٥-١٦.